



۲۰۱۸/۱۱/۳۰

الیزابت حسامی

## دریاهای افغانستان: سلاح دیگر هند در برابر پاکستان

در حال حاضر بیشتر مناطق افغانستان با کاهش ۶۰ درصدی برفباری و باران که برای تولید مواد غذایی الزامی می‌باشد، روبرو است. رشد سریع جمعیت کابل، شرایط خشکسالی شدید در سراسر کشور و تغییرات اقلیمی، نیاز به زیربنای های جدید آبی را تشدید کرده است. اما اعمار این زیر بنای ها از لحاظ سیاسی پیچیده است؛ منطقه سرحدی افغانستان و پاکستان با دریاهای سر حدی محصور شده است که هیچ چارچوب قانونی برای جلوگیری از یک درگیری بزرگ بین این دو کشور وجود ندارد.

پس جای تعجب نیست که در ولسوالی چهارآسیاب کابل، در مسیر رودخانه پایتخت، کار ساخت بند شاه توت به زودی آغاز می‌شود. این سد ۱۴۶ میلیون مترمکعب آب آشامیدنی را برای دو میلیون ساکن شهر کابل ذخیره میکند و ۴ هزار هکتار زمین را آبیاری خواهد کرد. این سد همچنین آب آشامیدنی برای یک شهرک جدید به نام ده سبز در حومه کابل را نیز فراهم خواهد کرد. سرانجام، افغانستان پس از چند دهه جنگ‌های ویرانگر در موقعیتی قرار گرفته که تصمیم دارد اقتصاد و برق خود را از طریق انرژی آبی توسعه دهد.

اما این توسعه بلند پروازانه، این نگرانی را در اسلام آباد ایجاد کرده که اعمار این بند، مسیر رودخانه را تغییر و جریان آب را به پاکستان کاهش می‌دهد که می‌تواند دسترسی این کشور را در آینده به آب محدود کند. رسانه های پاکستان گزارش کرده اند که پس از اعمار بند شاه توت و بند های دیگری که قرار است اعمار شوند، جریان آب از افغانستان ۱۶ تا ۱۷ درصد به پاکستان کاهش می‌یابد.

بند شاه توت در کنار این که جریان آب به پاکستان را کاهش میدهد، ظرفیت منحصر به فردی برای تشدید جنجال‌های منطق های به دلیل تمویل بودجه آن از سوی هند را نیز دارا است. هند در سال های اخیر سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در زمینه زیر بنای های افغانستان انجام داده است: از اعمار شاهراه ها تا اعمار ساختمانهای دولتی و بندهای آسیب دیده از جنگ.

هند از سال ۲۰۰۱ تا کنون حدود ۲ میلیارد دالر در پروژه‌های توسعه‌ای افغانستان کمک کرده است. در حالی که تحلیلگران افغان اعمار بند ها را برای جلوگیری از کاهش کمبود آب در آینده مهم می‌دانند اما مقام های پاکستانی این اقدام هند را یک سرمایه گذاری خصمانه دیگر این کشور دانسته و به آن اعتراض دارند و میگویند که اعمار این بند، تازه ترین طرح بزرگ هند برای فشردن گلوی منابع محدود آبی پاکستان است. از آنجایی که پاکستان

نتوانسته است زیربنای های برق آبی را تولید کند، برخی پاکستانی‌ها از آن می‌هراسند که مبادا در آینده برق را از افغانستان خریداری کنند.

گزارش کمیته روابط خارجی مجلس سنای ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ درباره امنیت آب در آسیای میانه جنجال های آبی را به عنوان یک تهدید امنیتی در منطقه معرفی کرد. این گزارش اقدام متعادل کننده را ارایه کرد که هند باید به عنوان یک طرف در ساخت سد شاه توت در نظر بگیرد. در گزارش این کمیته آمده است: «ارایه کمک های درست می‌تواند نفوذ و تاثیر گذاری مهم داشته باشد اما پشتیبانی به نحو اشتباه و از طریق تحریک کشورهای همسایه می‌تواند فاجعه بار باشد.» این کمیته پیشنهاد کرده: «در صورتی که رقابت بر منابع آب محدود، رابطه پاکستان با همسایگانش را دچار کشیدگی کند، پی‌آمد آن در سراسر جهان حس خواهد شد.»

کمبود آب اغلب عامل اساسی جنگ است. کمبود آب منجر به کمبود مواد غذایی، افزایش قیمت ها و قحطی میشود که میتواند موجب بیثباتی و درگیری شود. درگیری های اخیر در سوریه و یمن از کمبود بی‌ثبات کننده آب، رشد کرد که همراه با عوامل دیگر منجر به جنگ تمام‌عیار شد. مخالفت مشابهی میان مصر و اتیوپی وجود دارد، زیرا مصر نگران است که اعمار بند «رنسانس بزرگ اتیوپی»، سهم مصر از جریان رود نیل را کاهش می‌دهد. اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان، واضح گفته است که بهبود دسترسی به آب از طریق سد ها یکی از اولویت‌های مهم ملی است و دشوار نیست که بدانیم چرا: منابع آبی زیر زمینی افغانستان در حال خشک شدن اند. مطالعاتی که در سال ۲۰۱۷ از سوی وهنتون های افغانستان به کمک آلمان و فنلاند انجام شد بر این نکته تاکید دارد که افغانستان به شدت به زیربنای ها مدیریت آب نیازمند است.

کابل شهری است که برای یک میلیون نفر طراحی شده است، اما در سال ۲۰۱۸ جمعیت این شهر به سرعت به سمت ۵ میلیون نزدیک میشود. در حال حاضر بیشتر ساکنان کابل به منابع آبی زیرزمینی وابسته اند که به علت حفر هزاران چاه بدون رویه، به سرعت در حال کاهش است. بند شاه توت میتواند آب آشامیدنی مطلوب مورد نیاز را فراهم کند و هزاران هکتار زمین را در کشوری که ۸۵ درصد باشندگانش برای معیشت شان به زراعت وابسته‌اند، آبیاری کند.

اما نیاز های فوری افغانستان به آب، به کاهش نگرانی هایی همسایه این کشور – پاکستان کمک نمیکند، چون هر دو کشور به کمبود آب روبه رو بوده و برای آب آشامیدنی، آبیاری و تولید برق به دریای کابل وابسته هستند. پاکستان نگرانی مشروع نسبت به سرمایه گذاری هند در سدها دارد، زیرا در صورت ذخیره آب در این بند، جریان آب دریای کابل به پاکستان به شدت کاهش می‌یابد و این، جنجال ها بین این کشورها وارد مرحله دیگری خواهد کرد. این فقط یک سد نیست که صدای هشدار را برای پاکستان به صدا درآورده است. هند به افغانستان کمک می‌کند تا مطالعات امکانپذیری ساخت ۱۲ سد را در مسیر رودخانه کابل ایجاد کند که می‌تواند ۱،۱۷۷ میگاوات برق تولید کند و جریان آب را به پاکستان کاهش دهد.

این برای پاکستان که اقتصاد آن به شدت وابسته به زراعت است یک تهدید جدی محسوب می‌شود. گزارش مؤسسه منابع جهانی اعلام میکند که پاکستان تا سال ۲۰۴۰ قبل از این که بتواند به کاهش بالقوه دریای آب کابل رسیدگی کند، با کمبود شدید منابع آبی رو برو خواهد شد.

بر علاوه نگرانی‌های پاکستان، هند همچنین توافق نامه موقت ۱۸ ماهه را برای نظارت از پیشبرد کار بندر چابهار ایران امضا کرده است که بر اساس آن افغانستان به گونه مستقیم به هند دسترسی پیدا می‌کند و وابسته گی بیشتر این کشور را به پاکستان کاهش می‌دهد.

اما اگر افغانستان در تلاش توسعه است، نیاز به روابط بهتر با همسایه نزدیکش دارد؛ همسایه ای که نه تنها با آن تاریخ طولانی، بل آینده اقتصادی هم دارد. افغانستان همواره تأکید کرده است که تأثیر اعمار این بند ها بر پاکستان اندک خواهد بود و علاقه ای به دیپلماسی آبی نداشته است، چیزی که تنها باعث خشم بیشتر اسلام‌آباد شده است.

پوهنتون پشاور در پاکستان در ماه جاری سمیناری را زیر نام «استفاده پایدار از دریای کابل: مشکلات و فرصت ها برای همکاری پاکستان و افغانستان» برگزار کرد تا اهمیت دیپلماسی آب و همکاری های دوجانبه بین افغانستان و پاکستان را برجسته کند.

یک توافقنامه مبادله آب با پاکستان میتواند به طور بالقوه تکنیکه ای آبیاری استفاده شده و انواع پروژه‌های برق آبی که در حوضه دریای کابل ساخته میشود را محدود کند. کار شناسان حوزه آب در این کنفرانس هشدار دادند که پی‌آمد های زیست محیطی این دسته از سدها می‌تواند منجر به «انحراف آب، کمبود آب، آلودگی آب، مشکلات آبیاری، آسیب زیست محیطی، سیل، خشکسالی، خرابی محصول، عوارض اجتماعی-اقتصادی، بیجا شدن گروهی مردم و مهاجرت پرندگان فصلی شود.» در مقیاس بزرگتر اگر اعمار سد ها در افغانستان به ظرفیت آبیاری محصولات پاکستان آسیب برساند که این به نوبه خود مردم این کشور را صدمه می‌زند، این مساله میتواند به عنوان یک عامل اصلی درگیری های داخلی و بین‌المللی بدل شود.

در حقیقت، پتانسیل یک درگیری بزرگ بر سر استفاده از حقوق استفاده از آب، یک نگرانی مزمن در منطقه بوده است. جنجال میان هند و پاکستان از طریق دسترسی به راه های آبی مشترک، از زمان جدایی این دو کشور در سال ۱۹۴۷، موج میزد. جدایی بین پاکستان و هند سیستم های آبیاری را که از قرن ها پیش وجود داشت متلاشی کرد و راه را برای اختلافات جدید باز کرد.

حاشیه های تلخی که پس از جدایی این دو کشور باقی مانده است، سبب اختلاف‌ها شده که منجر به موافقت نامه آبی سیند شد. این موافقت نامه از زمان امضای آن در سال ۱۹۶۰ چار چوب قانونی برای تقسیم آب بین هند و پاکستان فراهم کرده است و تا امروز مانع درگیری بزرگ بین دو کشور روی مسأله آب شده است. با این حال، این صلح آسیب پذیر منظوقی با بیداری اقتصادی افغانستان، که نیاز به برق و آب های روی زمین که در بند ها ذخیره می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. افغانستان می‌خواهد از این فرصت برای رشد اقتصادی اش استفاده کند، آنگونه که همسایگانش طی دهه‌ها کرده اند.

از آن جایی که هند منابع مالی این پروژه ها را برای کابل را تامین میکند، در گیری یک جنگ آبی منطقه‌ای، یک نگرانی واقعی است. هر چند که هند و پاکستان، دارای اردوی قدرتمند و قابلیت‌های هسته ای اند، بروز یک جنگ تمام عیار بعید به نظر میرسد چون این جنگ برای طرف ها ویرانگر خواهد بود. با این حال، امکان یک جنگ استراتژیک آبی با گذشت زمان ممکن است و این جنگ، مرگبار خواهد بود و در واقع بدون اطلاع قبلی، می‌تواند به آرامی جریان آب از افغانستان و هند را به پاکستان قطع کند.

برای جلوگیری از یک بحران منطقی بزرگ، افغانستان و پاکستان باید فوراً به دیپلماسی آب توجه کنند. اولین قدم این است از جمع‌آوری اطلاعاتی حمایت کنند که بتواند با تمام همسایگان‌شان به اشتراک گذاشته شود و پیشبینی‌های علمی بالقوه ای اثرات سدهای برنامه ریزی شده را که روی جریان آب تأثیر می‌گذارد مطالعه کنند. دانشمندان حوزه آب باید با پشتیبانی دیپلماسی بین‌المللی و علمی نیز در این مسأله فعال شوند. این موضوع تمام همسایگان را از تأثیرات بالقوه اعمار این بندها آگاه می‌سازد.

با استفاده از دیپلماسی آبی مؤثر، جنجال‌های ناشی از سد شاه توت میتواند به گونه مسالمت آمیز حل شود. توافقنامه آبی بین هند و پاکستان بر سر رود سند که پس از دو جنگ بزرگ و تلخی‌های دوامدار هنوز برقرار مانده است، میتواند مدلی خوبی بین افغانستان و پاکستان باشد. اگر دشمنان دیرینی مثل هند و پاکستان میتوانند در چنین فضای دیپلماتیک و متشنج، در گفت و گوها را باز نگهدارند، پاکستان و افغانستان نیز می‌توانند روی برگزاری جلسات سالانه در مورد جنبه‌های خاص یک معاهده احتمالی متعهد شوند.

برای جلوگیری از تشدید جنجال‌های بیشتر بر سر بند شاه توت هرگونه خصومت فعلی بین افغانستان و پاکستان باید سبک و سنگین شود. این دو کشور باید اطمینان حاصل کنند که منابع مشترک آبی‌شان به جای بدل شدن به نقطه آغاز درگیری که پایان آنها را رقم می‌زند، منجر به حیات در منطقه می‌شود.

پایان

نوت:

نویسنده: الیزابت حسامی، وکیل مدافع در موسسه حقوق محیط زیست و محقق مدیریت منابع طبیعی در کشورهای پس از جنگ  
منبع: فارن پالیسی  
مترجم: سمندر لکاریان و بهار مهر